شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

روزنامه شهر امید و زندگی

SHAHRARANEWS.IR

شنبه

۰۴ ۱۱ ۹۹

۳۶ صفحه؛ ۱۲ صفحه+۴ صفحه+۴ صفحه ورزشی

۱۶ صفحه شهرآرا محله+۴ صفحه زندگی نو

شماره ۳۳۰۵ | ۱۰۰۰ تومان

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir

رطوبت هوا ۵۸٪

صبح ۴°-

ظهر ۴°

عصر ۳°

شب ۷°-

۶°- ↓ ۵° ↑

اذان ظهر ۱۱:۴۴

غروب آفتاب ۱۶:۴۸

اذان مغرب ۱۷:۰۸

نیمه شب شرعی ۲۳:۰۰

اذان صبح فردا ۵:۱۰

طلوع آفتاب فردا ۶:۳۹

حدیث روز

جز با کسی که می‌شناسی‌اش همسفر و همراه مشو.

امام باقر(ع)

ادامه از سرمقاله صفحه یک

شلیک به گفت‌وگو از «زاویه» دیگر

بهروز فرهمند
روزنامه‌نگار

سخنان توهین‌آمیز علیه رئیس‌جمهور در یک برنامه تلویزیونی، چنان که انتظار می‌رفت، واکنش‌های بسیاری را برانگیخت.

اینکه یک نفر، برخاسته از حوزه دین و دارای پوشش روحانیان، در یک برنامه فرهنگی تلویزیونی از واژه‌های سخیف -موسوم به«ادبیات منقلی»- استفاده کند، به همان اندازه که شگفت‌انگیز است، بی‌گمان واکنش‌های نکوهش‌آمیز را نیز درپی می‌آورد.

واکنش‌های چند روز اخیر را از همین منظر، می‌توان فهم کرد؛ هر چند منتقدان، چنین ادبیاتی را بیشتر از این بابت سرزنش کرده‌اند که مخاطب سخن، رئیس جمهور -شخص دوم کشور- بوده است؛ نقدی که بی‌شک، درست است.

من اما در این مجال، اجازه می‌خواهم زاویه‌نگاه خودم را کمی تغییر دهم و بگویم اگر مخاطب سخنان فرد توهین‌کننده، رئیس جمهور و هیچ صاحب‌منصب سیاسی یا اجرایی کشور نیز نبود، زشتی آن سخنان را سر سوزنی نمی‌کاست و از پیامدهای ناگوارش بر جامعه کم نمی‌کرد.

اما برنامه تلویزیونی‌ای که درباره‌اش سخن می‌گوییم، چگونه برنامه‌ای است؟ برنامه «زاویه» که از شبکه چهارم پخش می‌شود، به فرهنگ و اندیشه می‌پردازد و اگر گاه، رخدادهای سیاسی روز را در کانون توجه قرار می‌دهد، جنس پرداختنش متفاوت است؛ به این معنا که درپی کاویدن ریشه‌ها و پشتوانه‌های فکری تحولات است.

همچنان که گاهی در فضای مجازی، گزیده فایل‌های تصویری از سخنان داغ و جنجالی مهمان‌های گوناگون همین برنامه، دست‌به‌دست می‌شود که نشان می‌دهد «زاویه» مخاطب نسبی خودش را -خاصه از میان مخاطبان اندیشه‌ورز- دارد و فضای گفت‌وگوی آزادانه‌تری را نسبت به برنامه‌های تحلیلی دیگر در شبکه‌های تلویزیونی، در پیش گرفته است.

با این همه و تا پیش از برنامه اخیر که یکی از مهمان‌ها سخن به زشتی بر زبان راند، فضای «زاویه» چنین تند و رادیکال نشده و عقلانیت و اعتدال حاکم بر آن، هرگز دستخوش تهدید نشده بود.

چنین تهدیدی برای فضای گفت‌وگو در کشور، درواقع، یک خطر ویرانگر است، آن‌هم در شرایطی که نزدیک شدن به انتخابات سال آینده، نقدها و گفت‌وگوهای جدی و بی‌پرده اما با پایبندی به «آداب نقد» را می‌طلبد.

در اینجا سخن از این جناح و آن جناح نیست؛ سخن از یک بیماری سیاسی فراگیر است که برخی‌ها تا تریبونی به دستشان می‌رسد، افسار سخن را رها می‌کنند و به گمان خودشان، به فاش‌گویی می‌افتند، بی‌آنکه درنظر بگیرند که هتاکی و اشتلم‌خوانی‌شان، بیش از هر چیز، موجب بسته شدن کانال گفت‌وگو می‌شود؛ گفت‌وگویی که همین مقدارش نیز برای جامعه ایرانی هر چند کم اما کیمیاست و بی‌گمان برای گسترش آن باید بسیار کوشید.

در این میان، بد نیست به یاد بیاوریم برخی مناظره‌های اول انقلاب را در تلویزیون آن سال‌ها که نماینده‌های مارکسیست‌ها از یک‌سو و نماینده‌های جریان انقلابیون مسلمان از سوی دیگر، رودررو می‌نشستند و بی‌پرده و رک اما در نهایت ادب، با یکدیگر سخن می‌گفتند. فیلم‌های آن مناظره‌ها که این روزها گزیده‌هایش از تلویزیون پخش می‌شود، نشان می‌دهد که یک کلمه دربردارنده زشت‌گویی و حرمت‌شکنی، در سخنان هیچ‌یک از دو سوی میز مناظره، بر زبان آورده نمی‌شده است.

کوتاه سخن اینکه اگر به جای سخن مستند و پایبندی به ادب و آداب گفت‌وگو و نیز به‌جای داشتن روح علمی (به قول استاد مطهری، چه‌بسا عالمانی که از اکسیر روح علمی بی‌بهره‌اند)، به درشت‌گویی و متلک‌پرانی و گفته‌های بدون سند و مدرک و پنجه کشیدن بر چهره یکدیگر رو بیاوریم، این موضوع بی‌شک، چیزی جز مصداق «پاچه ورمالیسم» سیاسی نیست که پیامدش، تنگ شدن مجال گفت‌وگو و از دست دادن گوهر «نقد» است.

+پس از تحریر: روح علمی یعنی درباره هیچ رخداد یا پدیده‌ای، «پیش‌داوری» و «قضاوت زودهنگام» نکنیم. یعنی واقعیت‌ها را آن‌گونه که در عالم واقع هستند، بپذیریم و دربرابرشان تمکین کنیم، نه چنان که دوست داریم باشند. برگرفته از کتاب تعلیم و تربیت در اسلام، به قلم علامه مرتضی مطهری.

همه درخت‌ها خوشحال نیستند

درباره برنامه «نقاشی با جان» که از شبکه «اچ‌بی‌اُ» پخش می‌شود

ترجمان

عاطفه همایونی | مترجم

شما هم از آن‌هایی بودید که فکر می‌کردند بعد از تماشای یک قسمت از برنامه «نقاشی با باب‌راس» می‌توانند با پنج ضربه قلم‌موی بادبزنی، جادو کنند و یکی از آن درخت‌های زیبا بکشند؟ قلم‌موی باب‌راس برای خیلی‌ها حکم چوب جادوی هری پاتر را داشت، اما جان لوری در اولین قسمت از برنامه جدیدش، «نقاشی با جان»، با یکی از همان قلم‌موهای بادبزنی یک خط سیاه بزرگ روی این تصورات می‌کشد: «باب راس اشتباه می‌کرد؛ همه نمی‌تونن نقاشی کنن و همه درخت‌ها هم خوشحال نیستن.»

در برنامه «نقاشی با جان» که از شبکه «اچ‌بی‌اُ» پخش می‌شود، جان لوری، بازیگر و موسیقی‌دان آمریکایی، همان‌طور که قلم‌مو را بر صفحه سفید بوم می‌کشد، خاطرات تاریک زندگی‌اش را هم مرور می‌کند. جان لوری از زمانی می‌گوید که به مدت سه ساعت در یک کمدبا ریک جیمز (Rick James) و استیو روبل (Steve Rubell) درحال مصرف مواد بوده است یا زمان دیگری که خودش را به آتش کشیده و زخمی شده بود. او روز شومی را به یاد می‌آورد که یک مار ماهی را خفه کرد؛ همان مار ماهی‌ای که در کاور آلبوم موسیقی‌اش در سال ۱۹۸۸ از آن استفاده کرد. در این میان، لوری حدود ۲۰ سال را توصیف می‌کند؛ زمانی که به بیماری لایم مبتلا شده بود و باعث شد او موسیقی را رها کند و به‌طور جدی به نقاشی بپردازد. هر چند این داستان‌ها در نوع خود بسیار جذاب هستند، به نظر می‌رسد بسیاری از آن‌ها ارتباط چندانی با نقاشی‌ای که لوری در حال آموزش دادن آن است، ندارند. لوری هفته گذشته در یک ویدئو اعتراف کرد که بیشتر خاطراتش «هیچ ارتباطی به نقاشی‌ها ندارند.» برنامه «نقاشی با جان»، سه دهه پس از اولین سریال لوری با عنوان «ماهیگیری با جان» (۱۹۹۱) پخش می‌شود. در «ماهیگیری با جان»، لوری مهمان‌های مشهوری مثل جیم جارموش، ویلم دفو و تام ویتس را دعوت می‌کرد تا با هم به ماهیگیری بروند. اما برنامه نقاشی جان مانند برنامه قبلی‌اش، خیلی جنبه آموزشی ندارد. به‌هر حال لوری توضیح می‌دهد که قرار نبوده است این برنامه یک نمایش تلویزیونی باشد. او می‌گوید: «با خودم فکر کردم که مردم این روزها خیلی افسرده هستند، پس مجموعه‌ای از آموزش‌های یک‌دقیقه‌ای درست کنیم و در اینستاگرام بگذاریم تا روحیه مردم کمی عوض شود.» نقاشی‌های لوری، نظر بسیاری از منتقدان را به خود جلب کرده است. کارهای او در نگارخانه‌های نقاشی سراسر جهان به نمایش درآمده است و در مجموعه دائمی موزه هنرهای مدرن قرار دارد. اما او می‌گوید این‌ها دلیل اصلی وی برای نقاشی نیستند: «من آن‌ها را برای خودم نقاشی می‌کنم، حتی اگر همه آن‌ها در پایان سال، زیر کاناپه من قرار بگیرند، باز هم به این کار ادامه می‌دهم.»

از اواخر دهه ۷۰، برای سال‌های زیادی لوری چهره ثابت سینما و تلویزیون، موسیقی و هنر نیویورک بود. او مؤسس گروه موسیقی جاز «لونج لیزرد» (The Lounge Lizards) و بازیگر فیلم‌های مشهور جیم جارموش، «عجیب‌تر از بهشت» و «مغلوب قانون»، بود. در برنامه «نقاشی با لوری» که در خانه او در یکی از جزایر کارائیب فیلم‌برداری شده است، نمایی نزدیک از بوم نقاشی و رنگ‌ها با زمزمه‌های لوری از آهنگ‌های خود و داستان‌های عجیب زندگی‌اش همراه می‌شود. این نمایش به‌طور عینی نشان می‌دهد که لوری از زمان ترک دنیای موسیقی و سینما، یعنی نزدیک به دو دهه قبل، مشغول به چه کاری بوده است: نقاشی و نقاشی بیشتر.

او در مصاحبه‌ای با «نیویورک تایمز» در پاسخ به این سوال که چه چیزی او را به سمت نقاشی سوق داده است، می‌گوید: «من قبلا زیاد در خانه جک اسمیت (بازیگر و کارگردان) وقت می‌گذراندم و او در تمام آن مدت در حال نقاشی کشیدن بود. از او می‌پرسیدم «چرا این کار را می‌کنی؟» و او می‌گفت «وقتی نقاشی نمی‌کنم، حس خوبی ندارم.» حالا برای من هم نقاشی شبیه به یک اجبار شده است، یک نوع مراقبه. وقتی نقاشی نمی‌کشم، حس خوبی ندارم.» برای لوری، نقاشی بیش از همه مانند خلق موسیقی و اجرای زنده است. او توضیح می‌دهد: «شما در حال خلق یک جهان هستید و به‌نوعی دنیایی را که خود در حال خلق آن هستید، دنبال می‌کنید.»

تایم

این مجله همواره برای رخدادها و شخصیت‌های مختلف از طرح‌های خلاقانه برای جلد خود استفاده می‌کند. جلدهای تایم در ۴ سال ریاست‌جمهوری ترامپ نیز تامل‌برانگیز است.

این مجله در آخرین شماره خود، روز اول حضور جو بایدن را در اتاق به‌هم‌ریخته رئیس‌جمهور آمریکا پس از رفتن دونالد ترامپ به تصویر کشیده و نوشته است: «روز اول». جزئیات این تصویر مانند آشفتگی و درهم‌ریختگی پرونده‌ها، نوشته شدن حرف T ابتدای اسم ترامپ روی پرده و رنگ‌پاشی روی میز، گوشی تلفنی که رها شده است، کلاه قرمز نماد ترامپ روی زمین، ردپاهای کثیف، بلندگوی وسط اتاق، غذاهای نیمه‌خورده روی میز، پرده‌های پاره و گچ‌بری‌های شکسته، کاغذهای روی زمین و بایدن که پشت به دوربین و متفکر رو به پنجره به جمع کردن خرابکاری‌ها فکر می‌کند، درخور توجه است.

لوفیگارو

لوفیگارو که از قدیمی‌ترین و روزنامه‌های صبح فرانسه از پرآوازه‌ترین نشریات جهان است، در پاریس منتشر می‌شود. خط مشی این روزنامه برپایه اصول محافظه‌کاری و نشریه‌ای مردمی است. لوفیگارو در آخرین شماره خود نوشته است: «اروپا با تهدید کمبود واکسن (کرونا) روبه‌روست».

کارتون + شرح

«کلی بنت» که پیش از این در سال ۲۰۰۲ جایزه پولیتزر را دریافت کرده است در کاریکاتوری که در روزنامه «چاتانوگا تایمز فری پرس» (Chattanooga Times Free Press) چاپ شده، دو رئیس جمهور پیشین (دونالد ترامپ) و فعلی (جو بایدن) ایالات متحده آمریکا را در یک قاب جا داده است. یکی دارد با پُتک می‌رود و دیگری چسب به‌دست می‌آید تا خرابکاری‌های به جا مانده از رئیس جمهور پیشین را رفع و رجوع کند.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

پرسش: به جای عبارت "کان لم یکن" در نامه‌های اداری چه عبارتی را پیشنهاد می‌کنید؟ با سپاس

پاسخ: به جای

- ... بدیهی است در صورت عدم اقدام به موقع، موضوع کان لم یکن تلقی می‌گردد.

بنویسیم

✓ **... بدیهی است در صورت اقدام‌نکردن به‌موقع، موضوع تمام شده تلقی می‌شود.**

یا

✓ **... بدیهی است در صورت اقدام‌نکردن به‌موقع، موضوع را تمام شده در نظر بگیرید.**

#زین_قند_پارسی

نگاه هشتم

دلار ارزان شد کالاها ارزان نمی‌شود؟

غلامرضا بنی اسدی

اقتصاد جالبی داریم. قیمت دلار که افزایش پیدا می‌کند، سایر قیمت‌ها هم آسانسور سوار می‌شوند و در پشت‌بام طبقه اول فرود می‌آیند. قیمت دلار که می‌آید پایین، قیمت سایر کالاها نه تنها به پایین نگاه نمی‌کنند، بلکه بازهم دنبال آسانسوری هستند که از «بام خانه» به «بام ثریا» برساندشان. انگار بر خلاف همه دنیا، اقتصاد ما چیزی به نام تعادل و توزین نمی‌شناسد. البته مقداری تقصیر خود ماست که نظام تقاضامان با کاهش عرضه، ارتقا می‌یابد. اما بخش اعظم ماجرا به عهده حضراتی است که تا تقاضا را رو به افزایش می‌بینند، عرضه را در منحنی تند کاهش می‌گذارند تا فردا با افزایش آسانسوری قیمت، به مردم ولع‌زده بفروشند. قصه محل انبار خودروها را که یادمان هست؛ یکی مثلا یک آینه کم داشت و یکی چراغ راهنمایش نصب نشده بود و سومی زه درش نامیزان بود و به‌عنوان خودروی ناقص به کناری نهاده شده بود تا پس از افزایش قیمت به وسط میدان بیاید.

قصه دیگر کالاها هم از این ماجرا دور نیست و مدام دارند جالبی این اقتصاد را بیشتر و ما را از همه ملل، «شگفت‌انگیزتر» می‌کنند. چنان درگیر این افزایش تقاضا و کاهش عرضه و پیش خرید هستیم که یادمان می‌رود بپرسیم قیمت‌هایی که با افزایش نرخ دلار به آسمان رفتند، چرا حالا با کاهش این نرخ، سر پایین آمدن چند پله را هم ندارند؟ هر جای دنیا بود، قیمت‌های جهش‌یافته، کاهش می‌یافتند. مگر نه اینکه صعودی شدن نرخ ارز و سکه را به‌عنوان پیشران قیمت‌ها مطرح می‌کردند؟ این دو زبان‌بسته یاغی که دارند پله‌به‌پله و حتی چند پله پایین می‌آیند، پس چرا آثارش را در بازار نمی‌بینیم؟ این چسبندگی قیمت‌ها به فراتر از سقف را با چه چسبی رقم زده‌اند که جدا نمی‌شود؟

تاریخ‌نگار

۰۴ بهمن ۱۳۹۳

ورود سپاه روسیه به ایران در جریان جنگ جهانی اول

هنوز مدتی از تاج‌گذاری احمدشاه قاجار نگذشته بود که جنگ جهانی اول آغاز شد. در این جنگ، دولت‌های روسیه، انگلستان و فرانسه با دولت‌های آلمان، اتریش، مجارستان و ایتالیا به نبرد برخاستند و پس از مدتی، حکومت عثمانی نیز اتحاد خویش را با آلمان اعلام کرد و در عمل وارد جنگ شد. طرفین جنگ تلاش زیادی کردند تا در دولت ایران نفوذ و آن را به نفع خویش، وارد کارزار کنند و از منطقه سوق‌الجیشی ایران، ضربه سهمگینی به دشمن خود وارد کنند. در این زمان، مستوفی‌الممالک، ریاست دولت را برعهده داشت. وی بی‌طرفی ایران را در جنگ اعلام کرد، اما هیچ‌کدام از طرفین جنگ، اعتنایی به این امر نکردند و وارد خاک ایران شدند. انگلستان از جنوب و روسیه از شمال کشور، متجاوزانه وارد ایران شدند و منطقه وسیعی را به اشغال خویش درآوردند. روسیه پس از هجوم به ایران، به جنگ با نیروهای عثمانی که در آذربایجان به خاک ایران تجاوز کرده بودند، پرداخت و هر دو اشغالگر به جان هم افتادند تا این‌که نیروهای امپراتوری عثمانی شکست خوردند. حاکمیت ایران در این زمان به ضعیف‌ترین درجه رسید و اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور به‌شدت پریشان و بحران‌زده بود. اشغال قسمت شمالی ایران از سوی دولت تزار روس، سه سال طول کشید. درنهایت در سال ۱۲۹۶ خورشیدی (۱۹۱۷ میلادی) انقلاب کمونیستی روسیه به وقوع پیوست و نیروهای روسی به‌دلیل اوضاع پریشان داخلی روسیه، شمال ایران را تخلیه کردند.